

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نښاد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary - Cultural

ادبی - فرهنگی

بازتایپ و ارسال از: لاله
۱۷ جولای ۲۰۱۵

نظری گذرا بر نثر و شعر دری

(قوانین، صناعات، سبک ها و مکاتب ادبی)

مؤلف: زنده یاد داد نورانی

(۱۹)

سبک های شعر دری

تعریف سبک: یعنی مجموع کلمات و لغات و طرز ترکیب آن ها از لحاظ قواعد زبان، مفاد معنی هر کلمه در آن عصر و طرز تخیل و ادای آن تخیلات از لحاظ احوال روحی شاعر که وابسته به تأثیر محیط و طرز معیشت و علوم و زندگی مادی و معنوی هر دوره می باشد. آنچه ازین کلمات حاصل می شود آب و رنگ خاص به شعر می دهد که آن را سبک می نامند.

شعر دری به طور کُل از سیطره چهار سبک خالی نیست و در زبان دری این چهار سبک به طور کلی مبداء سبک های شعری است که در دوره نفوذ خود مورد پیروی و تقلید عموم سخنوران دری زبان بوده است. این سبک ها عبارتند از:

(۱) **سبک خراسانی یا سبک ترکستانی:** از نیمه قرن چهارم تا نیمه قرن ششم می رسد. این سبک دارای خصوصیات ذیل می باشد:

ا. کمی لغات عربی، به استثنای بعضی لغات دینی، اداری و سیاسی که معادل دری آن وجود نداشته است، لغات عربی در نظم و نثر ایندوره دیده نمی شود. کمتر از ۲ درصد لغات عربی در شعر و نثر دیده می شود.

ب. وسعت دایره وزن، وزن شعر پیش از اسلام هجائی بود ولی به تدریج وزن عروضی که تعداد مساوی هجا ها را طالب است وارد شعر دری گشت. بدین طریق اوزان وسیع عروضی شعر دری را احتواء کرد.

ج. زیادی قصاید طویل و کمی غزل به علت موجودیت دربار های مجلل سامانی و غزنوی در این دوره

د. سادگی قافیه و عدم موجودیت ردیف

ه. عدم توجه به صنایع لفظی، شاعران تلاش داشتند شعرشان روان و عام فهم باشد به خصوص ممدوحان شان به خوبی قدرت درک این اشعار را داشته باشند، زیرا بیشترین شعر ایندوره مدحی بوده است.

و. توصیفات درین سبک بسیار ساده است. تشبیهات عموماً حسی و عینی است، کنایات و استعارات در شعر ایندوره کمتر دیده می شود.

ز. عدم توجه به معانی علمی شعر

ح. عدم ترکیبات وصفی طویل

ط. حس سلحشوری و بیان اشعار رزمی و حماسی درین دوره چشمگیر است. شهنامه

فردوسی یکی از بزرگترین آثار حماسی جهان درین دوره سروده شده است.

شعرای مشهوری که در این دوره شعر سروده اند عبارتند از عنصری، رودکی، فرخی، عسجدی، فردوسی، رشید و طواط، سنائی، دقیقی، رابعه بلخی، منوچهری، انوری، اسدی طوسی و...

۲) **سبک عراقی:** این سبک از اواسط قرن ششم تا اواخر قرن نهم ادامه داشت. در تغییر سبک

خراسانی به سبک عراقی ارزقی هروی و ابوالفرج رونی نقش عمده داشته اند.

در زمان تغییر این سبک بین شعرای آخر این دوره بحث های شدیدی جریان داشته است به طور نمونه رشید و طواط تیورپسن سبک خراسانی در دفاع ازین سبک در تقبیح سبک عراقی می نویسد "... و البته نیکو و پسندیده نیست این که جماعتی از شعراء کرده اند و می کنند:- چیزی را تشبیه کردن به چیزی که در خیال و وهم موجود باشد و نه در اعیان، چنان که انگشت افروخته را به دریای مشکینی که موج او زرین باشد تشبیه کنند و هرگز در اعیان نه دریای مشکین موجود است و نه موج زرین. و اصل روزگار از قلت معرفت ایشان به تشبیهات ارزقی مفتون و معجب شده اند و در شعر او همه تشبیهات ازین جنس است و به کار نیاید."

امیر عمق بخارائی، انوری و مسعود سعد سلمان شاعرانی هستند که در آخر سبک خراسانی شعر می گفتند و آنها بودند که سبک خراسانی را به طرف سبک عراقی سوق دادند.

مشخصات این سبک به طور کلی عبارتند از:

ا. شعر دری از روانی و سلاست خود بر افتاد

ب. شعر از قصیده سرائی به غزل سرائی روی آورد

ج. صنایع لفظی و معنوی به کثرت وارد زبان شعر گردید. شعر استعاری و تصویری با اطناب و اغراق و عاطفه در آمیخت. مثلاً اگر زبان فردوسی و نظامی را در دو بیت مقایسه کنیم.

فردوسی: سکندر ز اسپ اندر آمد چو بار + سر مرد خسته بر ران نهاد

نظامی: سر خسته را بر سر ران نهاد + شب تیره بر روز رخشان نهاد

د. ترکیب بند وارد شعر شد

ه. کلمات عربی وارد شعر شد. بیان احادیث و آیات در شعر داخل گردید.

و. مهارت شاعران مختلف در قالب های مختلف شعری رونما گردید. انوری و ظهیر فاریابی در قصیده-

ابوسعید، بابا طاهر عریان و خیام در رباعی- عراقی، سعدی و حافظ در غزل- نظامی و مولانای روم

در مثنوی- کمال الدین و جمال الدین اصفهانی در ترجیع بند- ابن یمین فریومدی در قطعه- سروده های

جاودان به یادگار مانده اند.

ز. اصطلاحات علمی و فلسفی به پیمانه وسیعی وارد شعر شد. به خصوص رواج شعر فلسفی که مهمترین

آن رباعیات خیام، غزلیات و مثنوی معنوی مولانا، اشعار ناصر خسرو بلخی، غزلیات حافظ، اشعار

عماد الدین نسیمی می باشند.

ح. نفوذ تصوف و عرفان به پیمانه بسیار وسیع

ط. سقوط حس سلحشوری و غلبه روح مسالمت و صلح و صفا در شعر

ی. آوردن ماده تاریخ در شعر به حساب حروف ابجد

شعرای مشهور ایندوره عبارتند از: انوری، خیام، ناصر خسرو، امیر خسرو دهلوی، حافظ شیرازی، سعدی شیرازی، خواجوی کرمانی، مولانای رومی، جامی، امیر معزی، فاریابی، جلی، ارزقی هروی، خواجه عبدالله انصاری، عروض سمرقندی، امیر علی شیر نوائی، واعظ کاشفی، ابوالفرج روانی و...

۳) **سبک هندی:** این سبک از قرن دهم تا قرن دوازدهم دوام داشت. به علت درگیری ها و جنگ هایی که در افغانستان و ایران جریان داشت، شاعران زمینه ای جهت بیان شعر خود نداشتند. لذا به طرف دربار های مغولی هند که زبان دری را می ستودند و عده ای خود شعر می گفتند روی آوردند. شعر به طرف تعقید و پیچیدگی سیر کرد و به مشخصات زیر رسید:

أ. دقت فکر و اغلاق معانی. شاعران می کوشیدند بیان های پیچیده و دور از فهم را بیان دارند.

ب. مضمون آفرینی و خیال بندی. شاعران جهت پیشی گرفتن یکی از دیگری کوشش می کردند مضامین بکر و تازه ای را در شعر داخل سازند. این مضامین اکثراً پیش پا افتاده بود. مثلاً کلیم کاشانی به خاطر پاره شدن کفش خود شعری گفت و نام آن را مضمون تازه گذاشت

ج. ایجاد مضامین مخیل و دور از ذهن و به کار بستن تشبیهات و استعارات دور از حقیقت

د. بکار برد ترکیبات تازه که باز هم مغلق و پیچیده بود

ه. مدعا و مثل یکی از خصوصیات شعر این دوره که در مصراع اول ادعائی می شد و در مصراع دوم جهت تثبیت گفته خود مثلی را بیان می داشت. بر تواضع های دشمن تکیه کردن ابلهی است + پای بوس سیل از پای افکند دیوار را

و. کثرت استعمال اصطلاحات و محاورات روزمره

ز. غزل شکل عمده شعر درین دوره به حساب می آید

ح. غزلیات ایندوره اکثراً طوری سروده شده که هر بیت مفهوم خاص خود را دارد

ط. فرد گوئی درین دوره فراوان وجود داشته است.

شعرای مشهور این دوره عبارتند از: کلیم کاشانی، صائب تبریزی، طالب آملی، مرزا عبدالقادر بیدل، فیض دکنی، جلال اسیر، اهلی شیرازی، غنی کشمیری، عرضی شیرازی و...

سبک هندی در حقیقت دوره انحطاط در شعر دری است زیرا شعر از لحاظ بیان و مضمون در دایره کلمات و صناعات پیچیده خارج از قدرت درک مردم و محدود به چند حلقه شاعران مانده بود. لذا شعر باید ازین بن بست خود را می رهانید.

بازگشت ادبی: سبک هندی که در دربار های مغولی هند شکل گرفت، مضمون آن را "بیان معنی بسیار در لفظ اندک" می ساخت، دقت در ایجاد مضامین تازه و استعانت از استعاره و مجاز و خیالبافی ها و نازک اندیشی های دور از ذهن به حدی رسید که گفته ها و سروده های شعرای این عهد از لطف و ذوق عاری گردید. ملک الشعرای بهار درین رابطه می گوید: "فکرها سست و تخیل ها عجیب، شعر پر مضمون ولی دل نافریب، وز فصاحت بی نصیب، هر سخنور بار مضمون می کشید، رنج افزون می کشید، زان سبب شد سبک هندی مبتذل."

اولین بار ابتکار رو بر گرداندن از سبک هندی و پیروی از شیوه استادان قدیم را چند گوینده صاحب ذوق در شهر اصفهان به دست گرفتند. اینان عبارت بودند از سید محمد شعله اصفهانی، مرزا محمد نصیر اصفهانی، میر سید علی مشتاق که ذوق و قریحه لطیفی در غزلسرائی داشتند. به تشویق اینان عده ای از شاعران جوان با پیروی از سبک استادان قدیم شروع به شعر گوئی کردند.

انجمن نشاط اصفهان زیر رهبری و هدایت مرزا عبدالوهاب نشاط که در آنوقت کلانتر اصفهان بود، شکل گرفت و سخنوران بسیاری پیرامون این انجمن گرد آمدند. این تغییرات و تحولات در شعر مترادف است با حاکمیت قاجاریان در قرن دوازدهم. فتح علی شاه دربار با شکوهی آراست. عده زیادی از شاعران را به دور خود جمع کرد و ملک الشعرای صبا را به صدارت شاعری بگماشت. شاعران انجمن خاقان را ساختند چون خود شاه شعر می گفت و خاقان تخلص می کرد.

هدف این شاعران رهائی بخشیدن شعر دری از تباهی و انحطاط دوره صفوی در ایران و هم چنان انحطاط دوره شیبانی ها در افغانستان بود. اما برای رسیدن به منظور خود راه دیگری جز بازگشت به سبک و شیوه سخن قدیم و پیروی از طرز بیان استادان بزرگ مانند فردوسی، عنصری، فرخی، منوچهری، حافظ و سعدی را نمی دانستند. بازگشت به سبک قدما یک بازگشت کامل و بدون قید و شرط و به قول نیما "بازگشتی از روی عجز به طرف سبک های مختلف قدیم" بود.

صبا به پیروی از قصاید انوری جشن خاقان را می ستود و قا آئی قصایدی به پیروی از فرخی بیان می کرد. مجمر به سبک غزلسرایان سابق می سرود.

نهضت بازگشت چون پیروی کامل بود و در آن ابتکاری وجود نداشت و شعر با این پیروی مطلق از زمان عقب می ماند، منطقاً نمی توانست دوام بیاورد. فقط درین دوره به سعدی های دروغین و سنائی ها و عنصری های دروغین می توان روبه رو شد که مضامین کلام شان منحصر به مدح بود.

با پیدایش تکان های مشروطیت مدح گوئی به سر آمد، مضمون شعر حول مسایل داغ اجتماعی به حرکت در آمد و تومار اشعار بازگشتیان بر چیده شد.

ادامه دارد...